



رعایت هنجارهای فنی و بلاغی زبان فارسی نوشتاری معیار در نوشته‌های فضای تلگرام: بررسی تأثیر هویت زبانی و کاربرد زبان فارسی به‌عنوان زبان اول یا زبان دوم

هوشیار رشیدی^۱

دانشجوی دکتری زبان شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سنندج، سنندج، ایران

عادل دست‌گشاده (نویسنده مسئول)^۲

استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سنندج، سنندج. ایران.

محمد صدیق زاهدی

استادیار دانشگاه فرهنگیان سنندج

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۲۳

چکیده

این مطالعه تأثیر هویت زبانی گویشوران زبان فارسی و کاربرد آن به‌عنوان زبان اول یا زبان دوم را بر رعایت هنجارهای فنی و بلاغی فارسی نوشتاری معیار در فضای تلگرام بررسی کرد. ۱۱۵ نفر از

۱. rashidi999@yahoo.com.

۲. adastgoshadeh@gmail.com.

کاربران تلگرام که دانشجوی کاردانی و کارشناسی بودند به صورت تصادفی انتخاب شدند و در دو گروه زبان مادری و زبان دوم هر کدام با زیرگروه‌های هویت زبانی بالا و پایین تقسیم شدند (مجموعاً چهار گروه ۲۵ نفری). سپس، صفحاتی از نوشته‌های آن‌ها در تلگرام از حیث فنی و بلاغی بررسی شد. نتایج نشان داد که در املا و کاربرد ویرگول، هویت زبانی در هر دو گروه زبان اول و دوم نقش تعیین‌کننده‌ای داشت، ولی در کاربرد نقطه، هویت زبانی فقط در گروه زبان اول مؤثر افتاد و در کاربرد علامت سوال، هویت زبانی نقش مؤثری ایفا نکرد. هم‌چنین، در هر دو گروه زبان اول و دوم، هویت زبانی با استفاده از تعابیر مناسب و چینش صحیح ارکان جمله توأم بود. در املا، ویرگول، علامت سؤال، تعابیر مناسب و ترتیب ارکان جمله، عامل زبان دوم بودن مؤثرتر از هویت زبانی بود ولی در حیطه کاربرد ویرگول، این عامل فقط برای گروه هویت زبانی بالا مؤثر بود.

واژه‌های کلیدی: هنجارهای فنی و بلاغی، هویت زبانی، زبان اول، زبان دوم، زبان فارسی

نوشتاری معیار

۱. مقدمه

در دنیای امروز، گسترده‌گی ارتباطات در فضای مجازی و ضرورت پردازش، تولید و تبادل سریع اطلاعات با دیگر کاربران در نقاط مختلف جهان به اقتضای شرایط زندگی آن‌ها در دنیای کنونی، شتاب‌زدگی در نوشتن و تمایل به استفاده از نوعی نوشتار کوتاه شده را موجب شده است. ولی متأسفانه، گرایش به کوتاه کردن و ایجاز نوشته‌ها در فضای مجازی در بسیاری از موارد از حد اعتدال خارج شده و آسیب‌هایی به پیکره زبان فارسی معیار وارد ساخته است، زیرا این نوع نوشتار خلاصه‌شده در موارد زیادی منجر به اشتباه نویسی و هنجارگریزی می‌شود. از طرفی، این روند موجب بدآموزی نسل جوان در استفاده از زبان فارسی خواهد می‌شود. مطالعاتی در زمینه هنجارپریزی‌های زبانی در متون کاربران فضای مجازی انجام شده است از قبیل تحلیل کلام (discourse analysis) در فضای مجازی از منظر آسیب‌شناسی اجتماعی (رضا نیا، ۱۳۸۹)،

فاصله گرفتن زبان فارسی نوشتاری از زبان فارسی معیار در پیام‌های سایت وایبر (خانیک‌ی و موسوی، ۱۳۹۴)، کاربرد غیراصولی برخی عناصر زبان فارسی نظیر خلاصه کردن، استفاده از زبان کوچه و بازار و معادل‌سازی سلیقه‌ای (بامشاد، ۱۳۹۴) و رسم‌الخط نادرست و غلط نویسی در فضای مجازی و اثرات مخرب آن (صباعی، ۱۳۹۴). در این‌گونه مطالعات پیشین، اغلب به توصیف نوع زبان به‌کاررفته در متون فضای مجازی پرداخته شده است و توجه چندانی به بررسی عوامل دخیل در استفاده نا-به-هنجار از عناصر زبانی و بلاغی زبان فارسی نوشتاری معطوف نشده است. صرف نظر از تأثیر عواملی مانند سرعت در نوشتن و تمایل کاربران به اجتناب از تکلفات معیار نویسی و در نتیجه گرایش به خلاصه کردن نوشتار در فضای مجازی، به دلیل اهمیت درست‌نویسی و پیامدهای مخرب رعایت نکردن هنجارهای زبانی (linguistic)، فنی (technical) و بلاغی (rhetorical) زبان فارسی نوشتاری معیار (criterion written Persian)، لزوم پرداختن به عوامل درون-فردی (intra-personal) دیگر که منجر به چنین تمایلاتی در کاربران فضای مجازی می‌شود کاملاً محسوس است. در این مقاله، از یک طرف، با توجه به این فرضیه که عامل هویت زبانی (language identity) نقش تعیین‌کننده‌ای در نوع استفاده گویشوران از زبان ایفا می‌کند (Block, ۲۰۰۷; Eckert, ۱۹۸۹) (رضایی، خطیب و بالغی زاده، ۲۰۱۴)، میزان رعایت هنجارهای فنی و بلاغی زبان فارسی نوشتاری معیار به تناسب برخورداری گویشوران از هویت زبانی مورد مطالعه قرار گرفته است. از طرف دیگر، با توجه به اینکه دانش زبانی برحسب رابطه گویشوران با زبان مورد نظر (به‌عنوان زبان اول (first language) یا زبان دوم (second language)) از نظر ماهیت متفاوت است، جای این سؤال وجود دارد که آیا میزان پایبندی به هنجارهای فنی و بلاغی زبان فارسی نوشتاری معیار توسط گویشورانی که از

زبان فارسی به عنوان زبان اول استفاده می کنند با گویشورانی که از زبان فارسی به عنوان زبان دوم استفاده می کنند متفاوت است یا خیر. لذا، با توجه به اینکه میزان رعایت هنجارهای فنی و بلاغی زبان فارسی نوشتاری معیار برحسب دو عامل فوق الذکر (هویت زبانی و نوع وابستگی به زبان فارسی (affiliation)) تاکنون در بافت کشور ایران مورد بررسی قرار نگرفته است، این پژوهش در پی آن است که میزان پایبندی به این هنجارها را برحسب هویت زبانی گویشوران و وابستگی آن‌ها به زبان فارسی (به عنوان زبان اول یا زبان دوم) بررسی کند.

۲. پیشینه پژوهشی تحقیق

ترکیه رچگانی (۱۳۸۷)، در قالب یک مطالعه زبان‌شناختی، زبان پیام‌های کوتاه کاربران فارسی‌زبان را از لحاظ تأثیر جنسیت (gender) بر پیام‌های کوتاه و رسم‌الخط بررسی قرار کرد. جناب اصفهانی (۱۳۸۵) پیام‌های کوتاه فارسی‌زبانان را در اربعین حسینی از لحاظ ادبیات این پیام‌ها مورد بررسی قرارداد. وی در این مطالعه به دنبال آن است تا از طریق تحلیل محتوای پیام‌های کوتاه مناسبی و تأکید بر اینکه این گونه پیام‌ها در ایران جایگزین مناسب‌های فرهنگی (cultural rituals) شده است نتیجه بگیرد که فناوری تلفن همراه در بافت اجتماعی-فرهنگی کشور ایران به یک فناوری بومی (native technology) تبدیل شده است. کوثری و خیرخواه (۱۳۸۷) نیز در همین راستا پس از بررسی و تحلیل محتوای پیام‌های کوتاه (content analysis) پیام‌های کوتاه دانشجویان دانشگاه تهران، به این نتیجه رسیدند که پیام‌های کوتاه موجب تسهیل روابط بین افراد شده‌اند. بیجن‌خان (۱۳۹۱) پس از بررسی ویژگی‌های رسانه‌های مجازی، نتیجه گرفت که زبان فارسی که در فضای اینترنتی مورد استفاده قرار می‌گیرد گونه‌ای غیررسمی (informal) و فی‌البداهه (instantaneous) از زبان فارسی است که متأثر از سرعت در تعاملات (interactions) بوده و برای ارتباط زبانی کاربران در فضای مجازی مورد استفاده قرار می‌گیرد و فضای مجازی به مثابه آزمایشگاهی است که خلاقیت‌های زبانی کاربران در آن پدیدار می‌شود و ظرفیت

قابل توجهی برای توسعه خط و زبان فارسی دارد. یآوری (۱۳۹۰) پژوهشی را باهدف بررسی گفتگوهای فضای مجازی در چارچوب راهکارهای گرایس (Grice's maxims) انجام داد که در آن مکالمات بر خط (online conversations) بین افراد را باهدف کاربردشناختی (pragmatic) موردبررسی قرار می‌داد. وی دریافت که این مکالمات از جهات بسیاری به مکالمات روزمره شباهت داشتند با این تفاوت که در قالب نوشتار صورت می‌گرفتند. زندی و ربانی (۱۳۸۸) مطالعه‌ای تطبیقی (comparative study) جهت مقایسه زبان پیام‌های کوتاه با زبان معیار (criterion language) انجام دادند که نشان داد از مجموع ۱۷۹۵ پیام کوتاه که ۱۴۰۲۸ جمله و ۴۷۴۴۶ کلمه را تشکیل می‌دادند، حدود دوسوم با الفبای زبان فارسی، کمتر از نیم در صد به زبان انگلیسی و تقریباً یک‌سوم با الفبای انگلیسی (فینگلیش) نوشته شده بودند. حدادی (۱۳۹۰) نوشته‌های گویشوران ایرانی و غیر ایرانی را در فضای مجازی و واقعی مورد باهم مقایسه کرد و نتیجه گرفت که پربسامدترین (the most frequent) خطاهای افراد ایرانی به ترتیب فراوانی عبارت بود از شکل فعل‌ها، انتخاب واژه، حروف اضافه (preposition)، حروف تعریف (article)، نشانه جمع، کمیت‌سنج‌ها (quantifier) و ضمائر موصولی در محیط مجازی شبکه‌های اجتماعی و خطاهای افراد غیر ایرانی نیز به ترتیب فراوانی به شکل فعل‌ها، انتخاب لغت، نشانه جمع، حروف اضافه، حروف تعریف، کمیت‌سنج‌ها و ضمائر موصولی مربوط می‌شد.

باوجود مطالعات قبلی در زمینه تأثیر فضای مجازی بر زبان فارسی، تا به حال مطالعه‌ای درباره دلایل هنجارگریزی‌های فنی و بلاغی زبان فارسی توسط کاربران فضای مجازی از منظر تأثیر خصوصیات فردی مورد مطالعه قرار نگرفته است. در این پژوهش، تأثیر هویت زبانی گویشوران فضای مجازی و وابستگی آن‌ها به زبان فارسی (به‌عنوان زبان اول یا زبان دوم) بر پابندی به هنجارهای زبان فارسی نوشتاری معیار موردبررسی قرار گرفته است. از بین سه سطح زبانی، فنی، و بلاغی که توسط صفار مقدم (۱۳۹۲) و ذوالفقاری (۱۳۸۵) به‌عنوان

حداکثر سن آن‌ها ۲۷ سال بود و به زبان‌های فارسی، ترکی، کردی و لری به‌عنوان زبان مادری تکلم می‌کردند. پس از آنکه هویت زبانی آن‌ها مشخص شد، به چهار گروه به شرح زیر تقسیم شدند: یک گروه شامل ۳۱ نفر (گوشور فارسی به‌عنوان زبان مادری) با هویت زبانی بالا، گروه دیگر شامل ۲۸ نفر (گوشور فارسی به‌عنوان زبان مادری) با هویت زبانی پایین، گروه بعدی شامل ۲۹ نفر (گوشور فارسی به‌عنوان زبان دوم) با هویت زبانی بالا و گروه آخر شامل ۲۷ نفر (گوشور فارسی به‌عنوان زبان دوم) با هویت زبانی پایین. ولی برای یکسان‌سازی (homogenization) گروه‌ها و تعداد جملات بررسی شده در هر گروه، تعداد ۲۵ نفر به صورت ثابت و یکسان برای هر گروه در نظر گرفته شد و اطلاعات مربوط به بقیه شرکت‌کنندگان از شمول مطالعه خارج گردید.

۲.۳ ابزار تحقیق

برای گردآوری اطلاعات شخصی شرکت‌کنندگان از جمله زبان مادری و زبان دوم آن‌ها از یک پرسشنامه اطلاعات فردی (demographic questionnaire) که به همین منظور تهیه شده بود و با مشورت همکاران صاحب نظر مورد توافق نهایی قرار گرفت استفاده شد. رسانه تلگرام نیز به‌عنوان فضایی برای گردآوری نوشته‌های شرکت‌کنندگان مورد استفاده قرار گرفت. برای سنجش هویت زبانی افراد از پرسشنامه هویت زبانی که توسط رضایی، خطیب و بالغی زاده (۲۰۱۴) تهیه و اعتبار سنجی (validation) شده است استفاده شد که مشتمل بر شش مؤلفه (component) ۱- دل‌بستگی به زبان فارسی، ۲- دیدگاه فرد درباره تلفظ، ۳- جایگاه زبانی و اجتماعی، ۴- استفاده و قرار گرفتن در معرض زبان مادری، ۵- دانش زبانی، و ۶- الفبا/رسم الخط هست و در مقیاس شش نمره‌ای از ۱ نمره (کاملاً مخالفم) الی ۶ نمره (کاملاً موافقم) به آن‌ها پاسخ داده می‌شود.

۳،۳ روش اجرای پژوهش

ابتدا هویت زبانی شرکت کنندگان اندازه گیری شد. سپس، بر اساس نمره کل هویت زبانی افراد و انحراف معیار (standard deviation) به دست آمده برای نمرات کل گروه شرکت کنندگان، هر گروه به دو زیرگروه هویت زبانی بالا و هویت زبانی پایین تقسیم شد به این صورت که در هر گروه، افرادی که نمره هویت زبانی آنها یک انحراف معیار بالاتر از میانگین کل گروه بود در گروه هویت زبانی بالا و افرادی که نمره هویت زبانی آنها یک انحراف معیار پایین تر از میانگین کل گروه بود در گروه هویت زبانی پایین قرار داده شدند. سپس، شرکت کنندگان از لحاظ وابستگی شان به زبان فارسی (به عنوان زبان مادری یا زبان دوم) به دو گروه زبان مادری و زبان دوم تفکیک شدند به نحوی که در هر گروه به صورت مساوی تعداد ۲۵ نفر قرار گرفت (گروه زبان مادری با هویت زبانی بالا شامل ۲۵ نفر، گروه زبان مادری با هویت زبانی پایین شامل ۲۵ نفر، گروه زبان دوم با هویت زبانی بالا شامل ۲۵ نفر و گروه زبان دوم با هویت زبانی پایین نیز شامل ۲۵ نفر). سپس، داده های هر گروه از طریق عکس برداری کاربران از صفحات گفتگوی خصوصی (private chat) خودشان در فضای تلگرام با رضایت شخصی گردآوری شد بدین صورت که به صورت اتفاقی از پنج صفحه از نوشته های خود در فضای مجازی (تلگرام) عکس (snapshot) تهیه کرده و برای محقق از طریق تلگرام ارسال نمودند. نوشته های هر گروه از حیث رعایت یا عدم رعایت هنجارهای مربوطه بررسی شد و کلمات، عبارات (phrase) و جملات بر مبنای مرجع های (source) موردنظر (ذوالفقاری، ۱۳۸۵؛ صفار مقدم، ۱۳۹۲) در این پژوهش با استفاده از کدهای عددی (۰) و (۱) کدگذاری شد. کد (۰) نشانه نا-به-هنجار بودن واحد زبانی موردنظر بر مبنای فارسی نوشتاری معیار و کد (۱) نشانه به-هنجار بودن

آن بود. بر مبنای این کدگذاری، فراوانی کلمات، عبارات و جملات به-هنجار و نا-به-هنجار از حیث سطوح فنی و بلاغی برای همه گروه‌ها محاسبه شد و در تجزیه و تحلیل نهایی داده‌ها مدنظر قرار گرفت.

برای حصول اطمینان از پایایی (reliability) کدگذاری داده‌های تحقیق، با الهام از دورویی (Dornyei, 2007: ۶۱) از یک همکار که برای این منظور توجیه شده بود نیز خواسته شد تا داده‌های تحقیق را کدگذاری (coding) نماید. سرانجام، برای تعیین میزان پایایی کدگذاری‌ها، ضریب همبستگی (correlation) بین کدگذاری‌های هر دو نفر محاسبه شد که شاخص (index) به دست آمده (۰/۹۰) بر میزان پایایی قابل قبول دلالت داشت.

۴.۳ تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، پس از تعیین درصد هنجارشکنی‌ها از حیث کلمات، عبارات و جملات هر متن در هر گروه، درصد‌های مربوط به خطاهای تولیدشده توسط گروه‌ها از طریق آزمون نا پارامتری خی^۲ (chi-square) باهم مقایسه شدند تا بتوان بر مبنای محاسبات آماری به تک تک سؤالات تحقیق پاسخ داد. در پایان هر بخش از محاسبات کمی (quantitative analyses)، نمونه‌هایی از کلمات، عبارات و جملاتی که با آن بخش سنخیت دارند ارائه شده است، به نحوی که شواهدی برای بخش کمی موردنظر با عینیت و شفافیت بیشتر ارائه می‌نمایند.

۴. نتایج تحقیق

الف) بخش ویرایش فنی (املا، نقطه، ویرگول و علامت سؤال)

جدول ۱ فراوانی‌ها

املاي	گروه‌ها نادرست
۸۰	زبان مادري هويت بالا زبان مادري هويت پايين
۴۹	زبان دوم هويت بالا
۸۴	زبان دوم هويت پايين

جدول ۲ مقايسه گروه‌ها

آزمون فيشر		آزمون خي ^۲		
مقدار عددي	درجه آزادي	سطح معني‌داري	سطح معني‌داري	مقايسه چهار گروه
۰/۰	۳	۲۳/۱۸	۰/۰	
۰/۴	۰/۳	۴/۳۰	۱	مقايسه دو گروه زبان مادري با هويت زباني متفاوت
۰/۲	۰/۲	۹/۸۷	۱	مقايسه دو گروه زبان دوم با هويت زباني متفاوت
۰/۶	۰/۵	۷/۹۶	۱	مقايسه دو گروه زبان مادري و زبان دوم با هويت زباني بالا
۰/۹	۰/۸	۳/۶	۱	مقايسه دو گروه زبان مادري و زبان دوم با هويت زباني پايين

نتايج موجود در جدول‌هاي ۱ و ۲ نشان مي‌دهد که در مجموع اختلاف معني‌داري بين چهار گروه از نظر املاي صحيح کلمات وجود دارد. ميزان پايبندی دو گروه زبان مادري بر حسب هويت زباني متفاوت بود بدین معنا که گروه زبان مادري با هويت زباني بالا نسبت به گروه زبان مادري با هويت زباني پايين خطاهای بسيار کمتری در املاي کلمات مرتکب شده است. همين حالت در مقايسه بين دو گروه زبان دوم نیز مشاهده شد بدین معنا که گروهی که دارای هويت زباني بالاتر بود نسبت به گروهی که دارای هويت زباني پايين تر بود پايبندی بیشتری را به هنجار املاي صحيح از خود نشان داد. هم‌چنين، در مقايسه بين گروه زبان مادري و زبان

دوم با هویت زبانی بالا و مقایسه بین گروه زبان مادری و زبان دوم با هویت زبانی پایین مشخص گردید که گروه‌های زبان دوم به هنجار املای صحیح پایبندتر بودند، که این امر نشان‌دهنده آن است که عامل زبان دوم بودن نسبت به عامل هویت زبانی در میزان پایبندی به این هنجار تأثیرگذارتر بوده است.

نمونه هنجارشکنی‌ها: عمانت (امانت)، شعن (شان)، دکتور (دکتر)، زینفع (ذی‌نفع)، سیاست گزار (سیاست‌گذار)، بمنظور (به‌منظور)، ابحمامات (ابهامات)، استصنا (استثنا)، سپاسگذارم (سپاسگزارم)، راجبه (راجع به)، بعله (بله)

جدول ۳ فراوانی‌ها

کاربرد	گروه‌ها
	نقطه
۹۳	زبان مادری هویت بالا
۱۳۶	زبان مادری هویت پایین
۵۳	زبان دوم هویت بالا
۵۸	زبان دوم هویت پایین

جدول ۴ مقایسه گروه‌ها

آزمون فیشر		آزمون خی‌مربعی			سطح معنی‌داری
سطح معنی‌داری	درجه آزادی	مقدار عددی	درجه آزادی	مقدار عددی	
		۰/۰	۳	۵۶/۸۱	سطح معنی‌داری مقایسه چهار گروه
۰/۳	۰/۳	۱	۹/۱۲		مقایسه دو گروه زبان مادری با هویت زبانی متفاوت
۰/۷۰	۰/۶۳	۱	۰/۲۴		مقایسه دو گروه زبان دوم با هویت زبانی متفاوت
۰/۱	۰/۱	۱	۱۱/۸۲		مقایسه دو گروه زبان مادری و زبان دوم با هویت زبانی بالا
۰/۰	۰/۰	۱	۳۴/۷۳		مقایسه دو گروه زبان مادری و زبان دوم با هویت زبانی پایین

جدول‌های ۳ و ۴ نشان می‌دهد که الگوی نتایج به دست آمده کاملاً به الگوی نتایج مربوط به املاي کلمات شبیه است با این تفاوت که اختلاف بین دو گروه زبان دوم معنی‌دار نبود. لذا، به استثنای قسمت مذکور، همان تفاسیر درباره این نتایج نیز صادق است. و در رابطه با دو گروه زبان دوم باید گفت که میزان پابندی این گروه‌ها به کاربرد درست نقطه صرف نظر از هویت زبانی آن‌ها مشابه بود.

نمونه هنجارشکنی‌ها: {من آن قدر شیفته این موضوع شده بودم. که چاره‌ای جز پیگیری نداشتم رفتم بررسی کردم} {من آن قدر شیفته این موضوع شده بودم که چاره‌ای جز پیگیری نداشتم. رفتم بررسی کردم}؛ {آموزش ما مبتنی بر محفوظات است همیشه این‌ور نیست} {آموزش ما مبتنی بر محفوظات است همیشه. این‌ور نیست؟}

جدول ۵ فراوانی‌ها

گروه‌ها	کاربرد
ویرگول	
زبان مادری هویت بالا	
زبان مادری هویت پایین	
زبان دوم هویت بالا	۷۱
زبان دوم هویت پایین	۱۴۳

جدول ۶ مقایسه گروه‌ها

آزمون فیشر	آزمون خی ^۲
مقدار عددی	درجه آزادی
سطح معنی‌داری	

سطح معنی‌داری

مقایسه چهار گروه

			۳	۳۸/۹۲	
۰/۲	۰/۱	۱	۱۰/۲۰		مقایسه دو گروه زبان مادری با هویت زبانی متفاوت
۰/۰	۰/۰	۱	۲۷/۱۳		مقایسه دو گروه زبان دوم با هویت زبانی متفاوت
۰/۲۵	۰/۲۰	۱	۵/۳۸		مقایسه دو گروه زبان مادری و زبان دوم با هویت زبانی بالا
۰/۸۰	۰/۸۰	۱	۰/۷		مقایسه دو گروه زبان مادری و زبان دوم با هویت زبانی پایین

جدول‌های ۵ و ۶ نشان می‌دهد که از لحاظ کاربرد درست ویرگول در نوشته‌های آزمودنی‌های این پژوهش، در تمامی مقایسه‌ها، به‌استثنای مقایسه بین دو گروه زبان مادری و زبان دوم با هویت زبانی پایین، اختلاف معنی‌داری بین گروه‌های مورد مقایسه مشاهده گردید. بنابراین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که هویت زبانی عامل تأثیرگذاری در میزان پایبندی گروه‌های زبان مادری و زبان دوم به استفاده درست از ویرگول بود. یعنی اینکه گروه‌های زبان مادری و زبان دوم با هویت زبانی بالا نسبت به گروه‌های همسان با هویت زبانی پایین پایبندی بیشتری به کاربرد به-هنجار ویرگول داشتند. از نظر مقایسه بین گروه‌های زبانی زبان مادری و زبان دوم، نتایج مربوط به این بخش نشان می‌دهد که فقط گروه زبان دوم با هویت زبانی بالا نسبت به گروه زبان مادری با هویت زبانی بالا تمایل بیشتری به استفاده به-هنجار از ویرگول از خود نشان داد ولی اختلاف معنی‌داری بین دو گروه زبان مادری و زبان دوم با هویت زبانی پایین مشاهده نشد، که این امر حاکی از آن است که عامل زبان دوم بودن صرفاً در محدوده هویت زبانی بالاتر تأثیرگذار بوده است نه به‌طور کلی.

نمونه هنجارشکنی‌ها: {در این مورد جدی صحبت کنیم} (در این مورد، جدی صحبت کنیم.)؛ {باین حال خوب فکر کن} (باین حال، خوب فکر کن)

جدول ۷ فراوانی‌ها

کاربرد علامت	گروه‌ها
	سؤال
۱۷۰	زبان مادری هویت بالا زبان مادری هویت پایین
۴۳	زبان دوم هویت بالا
۵۱	زبان دوم هویت پایین

جدول ۸ مقایسه گروه‌ها

آزمون فیشر		آزمون خی ^۲		
مقدار عددی	درجه آزادی	سطح معنی داری		
				سطح معنی داری
۰/۰	۳	۱۶۰/۶۵		مقایسه چهار گروه
۰/۸۱	۰/۸۱	۱	۰/۶	مقایسه دو گروه زبان مادری با هویت زبانی متفاوت
۰/۴۰	۱	۰/۷۱۴		مقایسه دو گروه زبان دوم با هویت زبانی متفاوت
				۰/۴۶
۰/۰	۰/۰	۱	۸۴/۷۵	مقایسه دو گروه زبان مادری و زبان دوم با هویت زبانی بالا
۰/۰	۰/۰	۱	۷۵/۷۶	مقایسه دو گروه زبان مادری و زبان دوم با هویت زبانی پایین

بر اساس جدول‌های ۷ و ۸، در نگاه کلی اختلاف معنی داری بین چهار گروه وجود داشت ولی مقایسه‌های دو گانه نشان می‌دهد بین دو گروه زبان مادری با هویت زبانی متفاوت و نیز بین دو گروه زبان دوم با هویت زبانی متفاوت به صورت دوجه دو اختلاف معنی داری وجود نداشت. به عبارت دیگر، میزان پابندی دو گروه زبان مادری و دو گروه زبان دوم به کاربرد به-هنگار علامت سؤال برحسب هویت زبانی آنها چندان متفاوت نبود. بین دو گروه زبان مادری و

زبان دوم با هویت زبانی بالا و هم‌چنین بین دو گروه زبان مادری و زبان دوم با هویت زبانی پایین از نظر کاربرد درست علامت سؤالی اختلاف معنی‌داری وجود داشت. این نتایج مبین آن است که در رابطه با کاربرد علامت سؤال نیز عامل زبان دوم بودن نقش بسزایی در میزان پایبندی افراد به استفاده به-هنجار از علامت سؤالی ایفا نموده است.

نمونه هنجارشکنی‌ها: {آموزش ما مبتنی بر محفوظات است همیشه این‌ور نیست} {آموزش ما مبتنی بر محفوظات است همیشه. این‌ور نیست؟}؛ {اینکه تو می‌ای یا نه منظورم بود؟} {اینکه تو می‌ای یا نه منظورم بود.}؛ {این چیزی بود که میخواستی} {این چیزی بود که میخواستی؟}

ب) بخش ویرایش بلاغی (کاربرد تعابیر نامناسب و جابجایی ارکان جمله)

جدول ۹ فراوانی‌ها

کاربرد تعابیر	گروه‌ها
	نامناسب
۴۸	زبان مادری هویت بالا زبان مادری هویت پایین
	زبان دوم هویت بالا
۴۵	زبان دوم هویت پایین

جدول ۱۰ مقایسه گروه‌ها

آزمون فیشر	آزمون خی ^۲	مقدار عددی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
		۰/۰	۳	۲۶/۸
				سطح معنی‌داری
				مقایسه چهار گروه

۰/۲	۰/۲	۱	۵/۶۲	مقایسه دو گروه زبان مادری با هویت زبانی متفاوت
۰/۲	۰/۲	۱	۵/۹۲	مقایسه دو گروه زبان دوم با هویت زبانی متفاوت
۰/۸	۰/۶	۱	۷/۵۲	مقایسه دو گروه زبان مادری و زبان دوم با هویت زبانی بالا
۰/۸	۰/۷	۱	۷/۲۰	مقایسه دو گروه زبان مادری و زبان دوم با هویت زبانی پایین

نتایج ارائه شده در جدول‌های ۹ و ۱۰ نشان می‌دهد که در مجموع اختلاف معنی‌داری بین چهار گروه از لحاظ کاربرد تعابیر نامناسب وجود داشت. میزان پابندی دو گروه زبان مادری بر حسب هویت زبانی متفاوت بود زیرا گروه زبان مادری با هویت زبانی بالا نسبت به گروه زبان مادری با هویت زبانی پایین تعابیر نامناسب کمتری را در نوشته‌هایشان به کار برده بودند. همین حالت برای دو گروه زبان دوم نیز مشاهده شد زیرا گروهی که دارای هویت زبانی بالاتر بود نسبت به گروه دیگر پابندی بیشتری را به هنجار استفاده از تعابیر مناسب از خود نشان داد. هم‌چنین، نتایج مقایسه بین گروه زبان مادری و زبان دوم با هویت زبانی بالا و نیز بین گروه زبان مادری و زبان دوم با هویت زبانی پایین نشان داد که گروه‌های زبان دوم تعابیر نامناسب کمتری را به کار برده بودند، که نشان می‌دهد که عامل زبان دوم بودن نسبت به عامل هویت زبانی در میزان پابندی به این هنجار مؤثرتر بوده است.

نمونه هنجارشکنی‌ها: دست کم (حداقل، لااقل)؛ به موضوع وارد نبودم (با موضوع آشنایی نداشتم)؛ واقع با تدریسش حال کردم (واقع از تدریسش لذت بردم)؛ کلی فک زدیم تا راضی شد (بسیار صحبت/اصرار کردیم تا اینکه راضی شد)؛ چویس شما چیه؟ (انتخاب شما چیه؟)؛ کالکشن بزرگی داره (مجموعه بزرگی دارد)؛ قطار فرست کلاس بود (قطار درجه یک بود).

جدول ۱۱ فراوانی‌ها

جایجایی ارکان

گروه‌ها

جمله

۱۱۸

زبان مادری هویت بالا

زبان مادری هویت پایین

۵۰

زبان دوم هویت بالا

۸۴

زبان دوم هویت پایین

جدول ۱۲ مقایسه گروه‌ها

آزمون فیشر

آزمون خی^۲

مقدار عددی درجه آزادی سطح معنی‌داری

سطح معنی‌داری

۰/۰ ۳ ۵۸/۹۰

مقایسه چهار گروه

۰/۷

۰/۶

۱

۳/۶۶

مقایسه دو گروه زبان مادری با هویت زبانی متفاوت

۰/۳

۰/۲

۱

۹/۲۵

مقایسه دو گروه زبان دوم با هویت زبانی متفاوت

۰/۰

۰/۰

۱

۳۰/۵

مقایسه دو گروه زبان مادری و زبان دوم با هویت زبانی بالا

۰/۰

۰/۰

۱

۱۹/۴۳

مقایسه دو گروه زبان مادری و زبان دوم با هویت زبانی پایین

نتایج موجود در جدول‌های ۱۱ و ۱۲ اختلاف معنی‌داری را بین چهار گروه نشان می‌دهد. میزان پایداری گروه‌های زبان مادری به نسبت هویت زبانی آنان متفاوت بود زیرا گروه زبان مادری با هویت زبانی بالا نسبت به گروه دیگر هنجارشکنی کمتری در کاربرد ارکان جملات از خود نشان داده است و از این نظر نتیجه مشابهی برای گروه‌های زبان دوم نیز مشاهده شد زیرا گروهی که دارای هویت زبانی بالاتر بود نسبت به گروه دیگر پایداری بیشتری را در چینش ارکان جمله از خود نشان داد. بعلاوه، مقایسه گروه زبان مادری با هویت زبانی بالا با گروه

زبان دوم با هویت زبانی بالا و نیز مقایسه گروه زبان مادری با هویت زبانی پایین با گروه زبان دوم با هویت زبانی پایین نشان داد که گروه‌های زبان دوم هنجارمندی بیشتری در چینش صحیح ارکان جمله داشته‌اند که نشان می‌دهد که عامل زبان دوم بودن نسبت به عامل هویت زبانی نقش مهم‌تری در میزان پایبندی به این هنجار ایفا کرده است.

نمونه هنجارشکنی‌ها: از کجا اومده این خبر؟ (این خبر از کجا آمده است؟)؛ بودم خیلی وقت‌ها توی چنین جاهایی (خیلی وقت‌ها در چنین جاهایی بوده‌ام)؛ حرفات تموم شد با استاد کجا رفتی؟ (بعد از اینکه حرف‌هایت با استاد تمام شد کجا رفتی؟)

۵. بحث و نتیجه‌گیری

در پاسخ به سؤال اول، با توجه به نتایج می‌توان گفت که در حوزه ویرایش فنی (املا و کاربرد ویرگول) عملکرد گروه‌های زبان مادری و زبان دوم دوبره‌دو به نسبت هویت زبانی آن‌ها متفاوت بود، حال آنکه در رابطه با کاربرد نقطه، هویت زبانی فقط به نفع گروه زبان مادری مؤثر افتاد و در رابطه با کاربرد علامت سؤال، هویت زبانی چه در گروه زبان مادری و چه در گروه زبان دوم با پایبندی بیشتر به استفاده به-هنجار از علامت سؤال توأم نبود. در پاسخ به سؤال دوم که به حوزه ویرایش بلاغی مربوط می‌شود، نتایج نشان داد که در هر دو گروه زبان مادری و زبان دوم گروه‌هایی که هویت زبانی بالاتری داشتند نسبت به هنجارهای مربوط به استفاده از تعابیر مناسب و چینش ارکان جمله پایبندتر بودند. در پاسخ به سؤال سوم، نتایج نشان داد که در سه حیطه املا، کاربرد نقطه و کاربرد علامت سؤال، با هویت زبانی مشابه یا برابر، گروه‌های زبان دوم پایبندی بیشتری داشتند. ولی در حیطه کاربرد ویرگول، در مقایسه بین گروه زبان مادری و زبان دوم، فقط گروه زبان دوم با هویت زبانی بالا نسبت به گروه زبان مادری با هویت زبانی مشابه پایبندی بیشتری از خود نشان داد، حال آنکه گروه زبان دوم با هویت زبانی پایین عملکرد مشابهی با گروه زبان مادری با هویت زبانی مشابه داشت. این امر حاکی از آن است که با هویت زبانی مشابه، تقریباً میزان پایبندی گروه‌های زبان دوم در قیاس با گروه‌های زبان مادری بیشتر بوده است. در پاسخ به سؤال چهارم، نتایج حاکی از

آن بود که از بین دو عامل هویت زبانی و وابستگی به زبان فارسی (زبان اول یا زبان دوم بودن)، عامل وابستگی زبانی در میزان پابندی به هنجارهای مربوط به استفاده از تعابیر مناسب و چینش ارکان جمله نقش موثرتری داشت.

شاید بتوان این یافته را که هویت زبانی در هر دو گروه زبانی (زبان اول و زبان دوم) فقط در املا و کاربرد صحیح ویرگول مؤثر بود، ولی در کاربرد نقطه فقط در گروه زبان اول مؤثر واقع شد و در کاربرد علامت سؤال، در هیچ‌یک از گروه‌های زبانی‌ها مؤثر نبود با توجه به اهمیت املائی کلمات و نقش ویرگول و نقطه در ایجاد تفاوت در معنا توجه نمود، اما علامت سؤال تا آنجا که به میزان هویت زبانی زیرگروه‌ها مربوط می‌شود، به دلیل بدیهی پنداشته شدن و احتمالاً این تصور که تأثیر چندانی در معنای جمله و بیان منظور ندارد و سؤالی بودن جمله از خود جمله و بافتی که در آن به کاررفته است فهمیده می‌شود به صورت یکسانی به کاررفته است. به تعبیر دقیق‌تر، هویت زبانی عملکرد متفاوتی را در این مورد به دنبال نداشته است. یافته دیگر که در کاربرد املا، نقطه، علامت سؤال و تا حدی در کاربرد ویرگول، نقش عامل وابستگی زبانی (linguistic identification) از نقش هویت زبانی مؤثرتر بوده است از جهات زیر قابل توجه است:

از طرفی گویشورانی که زبان فارسی زبان اول یا همان زبان مادری آن‌ها است غالباً از این زبان در موقعیت‌های روزمره و غیررسمی و به صورت محاوره‌ای (colloquial) استفاده می‌کنند. در این سبک کاربرد، رعایت هنجارهای زبان رسمی یا چندان اهمیت نمی‌یابد یا به دلیل ایجاب نکردن شرایط بافت اجتماعی (social context) که ارتباط زبانی در آن اتفاق می‌افتد از نظر دور می‌ماند. چنین گویشورانی معمولاً در فضاهایی که زبان نوشتاری مورد استفاده قرار می‌گیرد، مخصوصاً اینکه چنین فضایی از نوع کنترل نشده و بدون بازخورد (مانند فضای مجازی) باشد، از یک سبک نوشتاری (writing style) نه‌چندان رسمی در چت‌های خود استفاده می‌کنند که در مواردی تفاوت چندانی با سبک گفتاری (speech style) ندارد. به‌ویژه اگر چنین گویشورانی از هویت زبانی بالایی برخوردار نباشند و با علم به اینکه

هیچ گونه بازخوردی درباره سبک و کیفیت نوشتار آن‌ها وجود نخواهد داشت خود را ملزم به رعایت هنجارهای زبان معیار نخواهند دانست. از طرف دیگر، گویشورانی که از زبان فارسی به عنوان زبان دوم استفاده می‌کنند دانش زبانی این زبان را از طرقی غیر از روال طبیعی زبان‌آموزی کسب می‌کنند که باعث می‌شود ماهیت این دانش زبانی از نوع آموخته‌شده (learned/acquired) و آگاهانه (conscious) باشد که متأثر از آموزش‌های کلاسی (classroom instruction) بوده که در آن توجه آگاهانه (conscious attention) به قواعد صرفی (inflectional) و نحوی (syntactic) از اهمیت بالایی برخوردار است. این گونه ویژگی‌ها و عوامل دیگری از قبیل اهمیت یافتن پایبندی آگاهانه و مؤکد به هنجارهای زبانی زبان معیار برای حفظ پایگاه اجتماعی فرد به عنوان یک شهروند تحصیل کرده باعث می‌شود گویشوران زبان دومی سعی نمایند زبان فارسی را در سطح رسمی تر و حساب‌شده تری نسبت به گویشوران زبان اولی به کار ببرند. به عبارت دیگر، با رعایت چنین هنجارهایی، زبان دومی‌ها از هویت زبانی (language identity) و اجتماعی (social identity) جدیدی که به واسطه آموختن زبان دوم (فارسی) کسب کرده‌اند مواظبت می‌کنند.

شاید بتوان ادعا کرد که در مجموع اهمیت رعایت ترتیب درست ارکان جمله و نیز استفاده از تعابیر زبانی که متناسب با شدن گوینده، شنونده و موقعیت زبانی (linguistic event) باشد که تعامل زبانی (verbal interaction/ linguistic exchange) در آن اتفاق می‌افتد بیشتر از رعایت عناصری مانند ویرگول باشد. هم‌چنین، شاید بتوان گفت که صحت چنین ادعایی به نحوی در یافته‌های این مطالعه منعکس شده است. دلیل این ادعا آن است که، برخلاف تأثیر هویت زبانی در کاربرد نقطه که فقط در گروه زبان اول مشهود بود، در حوزه ویرایش بلاغی، نتایج نشان داد که در هر دو گروه زبان مادری و زبان دوم گروه‌هایی که هویت زبانی بالاتری داشتند نسبت به هنجارهای مربوط به استفاده از تعابیر (expression) مناسب و چینش ارکان (word order) جمله پایبندتر بودند. بعلاوه، نتایج

حاکمی از آن است که، برخلاف تأثیر وابستگی زبانی در کاربرد ویرگول که فقط در گروه زبان دوم با هویت زبانی بالا مشاهده گردید، از بین دو عامل هویت زبانی و وابستگی به زبان فارسی (به‌عنوان زبان اول یا زبان دوم)، عامل وابستگی زبانی در هر دو گروه زبان دوم با هویت زبانی بالا و پایین در میزان پایبندی به هنجارهای مربوط به استفاده از تعابیر مناسب و چینش ارکان جمله نقش موثرتری داشت.

در کل، نتایج این پژوهش مؤید نتایج مطالعات پیشین است زیرا بر ادعای این مطاعت دال بر استفاده از زبان غیرمعیار در فضای مجازی صحه می‌گذارند. بعلاوه، یافته‌های این پژوهش را می‌توان شواهدی در تکمیل و توجیه یافته‌های مطالعات پیشین نظیر بامشاد (۱۳۹۴)، صباغی (۱۳۹۴)، و معمار زاده (۱۳۹۲) تلقی کرد که دریافتند برخی از گویشوران به‌غلط نویسی، استفاده از زبان کوچه و بازار و استفاده از برخی عناصر غیراصولی مغایر با زبان فارسی نوشتاری معیار روی می‌آورند. این بدین معنا است که با در نظر گرفتن یافته‌های این پژوهش شاید بتوان دلایل این‌گونه هنجارشکنی‌ها را در هویت زبانی گویشوران و نوع وابستگی آن‌ها به زبان فارسی جستجو کرد. هم‌چنین، نتایج این پژوهش را می‌توان برای تبیین و توجیه یافته‌های مطالعاتی همچون حدادی (۱۳۹۰) در نظر گرفت که پربسامدترین خطاهای افراد ایرانی را در عناصر زبانی نظیر فعل‌ها، واژه‌ها و حروف اضافه برشمرده است. یافته‌های شهریاری و چلمقانی (۱۳۹۲) مبنی بر اینکه زبان مورد استفاده در چت‌های شبکه‌های اجتماعی در سطوح مختلف آوایی (phonetic)، واج (phonemic)، املا، واژه‌ها و نحو در معرض تغییرات بنیادین است نیز تا حدودی برحسب نتایج پژوهش حاضر قابل توجیه است.

منابع

- بامشاد، سمانه (۱۳۹۴). زبان در شبکه‌های اجتماعی. مرکز آموزش و پژوهش موسسه همشهری. مهر ۹۴. <http://hamshahrtraining.ir> از بازیابی
- بیجن‌خان، محمود (۱۳۹۱). خط و زبان فارسی در فضای مجازی. همایش محتوای ملی در فضای مجازی، تهران، کنسرسیوم محتوای ملی، بازیابی از <http://www.civilica.com>

ترکیه رچگانی، معصومه (۱۳۸۷). بررسی زبان پیام کوتاه تلفن همراه در بین کاربران فارسی زبان، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه الزهرا.

رضا نیا، آوات (۱۳۸۹). «اینترنت و حوزه عمومی، مطالعه موردی: تحلیل سایت گفتمان»، برگرفته از سایت موسسه تحقیقات همشهری به آدرس: <https://www.hccmr.com/news.aspx۴۳۷>.

زندى، بهمن؛ ربانى، فاطمه (۱۳۸۸). «بررسی میزان هم خوانی زبان پیام کوتاه با زبان فارسی معیار»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره ۲، شماره ۱، صص ۴۷-۷۵

ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۵). الگوهای غیر معیار در زبان مطبوعات، تهران: مرکز تحقیقات زبان و ادب فارسی. شهرباری فرد، آذین؛ چلمقانی، علی (۱۳۹۲). «زبان فارسی در شبکه های اجتماعی»، مجموعه مقالات نخستین هم اندیشی زبان و اینترنت، تهران. نشر نویسه پارسی، صص ۲۷-۴۵.

جناب اصفهانی، فاطمه (۱۳۸۵). «عبور از خط: درآمدی بر رسانه»، ضمیمه خردنامه همشهری. شماره، ۴۷، صص ۱-۸

حدادی، فرنوش (۱۳۹۰). بررسی عملکرد نوشتاری ایرانیان و غیر ایرانیان در محیط های مجازی و واقعی. پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران.

صباغی، علی (۱۳۹۴). بیداد غلط نویسی در شبکه های اجتماعی. بازیابی از <http://entekhab.ir> صفار مقدم، احمد (۱۳۹۲). «تفاوت های گفتار و نوشتار در آموزش مهارت گفتاری زبان فارسی به غیر فارسی زبانان»، زبان شناخت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهاردهم، شماره سوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، صص ۱۱۵-۱۴۰.

خانیکی، هادی؛ موسوی، سیده ثریا (۱۳۹۴). درآمدی بر مطالعه دگرگونی نوشتار فارسی در پیام های ارسالی کاربران وایر، همایش ملی تلفن همراه هوشمند و سبک زندگی.

کوثری، مسعود؛ خیرخواه، طاهره (۱۳۸۷). «تحلیل محتوای پیام های کوتاه دانشجویان دانشگاه های تهران». تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ۱، شماره ۲، صص ۵۷۷۸-

یاوری، زهرا (۱۳۹۰). بررسی گفتگوهای اینترنتی در چارچوب راهکارهای گرایس. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.

Block, D. ۲۰۰۷. Second language identities. London: Continuum.

Eckert, P. (۱۹۸۹). The whole woman: Sex and gender differences in variation.

Language Variation and Change, ۱, ۲۴۵-77.

Rezaei, S. Khatib, M. & Baleghizadeh, S. (۲۰۱۴) Language identity among Iranian

English language learners: A nationwide survey. *Journal of Multilingual and Multicultural Development*, ۳۵(۵), ۵۲۷-666.

DOI: ۱۰.۱۰۸/00000000000000000000

Bamshad, Samaneh (1394). Language in social networks. Hamshahri Institute Education and Research Center. October 94. Retrieved from

<http://hamshahritraining.ir>

Bijan Khan, Mahmoud (1391). Persian script and language in cyberspace. National Content Conference on Space. Web, Tehran, National Content Consortium, retrieved from <http://www.civilica.com>

Haddadi, Farnoosh (1390). Investigating the writing performance of Iranians and non-Iranians in virtual and real environments. Master Thesis, Tehran.

Khaniki, Hadi; Mousavi, Seyedeh Soraya (1394). An Introduction to the Study of the Transformation of Persian Text in Messages Submitted by Viber Users, National Conference on Smart Phones and Lifestyle

Kowsari, Massoud; Khaikah, Tahereh (1387). "Content analysis of short messages of Tehran university students". *Iranian Cultural Research*, Volume 1, Number 2, pp. 78-57.

Mr. Isfahani, Fatemeh (1385). "Crossing the Line: An Introduction to the Media", appendix to Hamshahri microcredit. No. 47, p. 1-8.

Rezania, Awat (1389). "Internet and Public Sphere, Case Study: Discourse Site Analysis", taken from the website of Hamshahri Research Institute at:

<https://www.hccmr.com/news-437.aspx>

Sabbaghi, Ali (1394). Mistakes in social networks. Retrieved from <http://entekhab.ir>

Saffar Moghadam, Ahmad (1392). "Differences between speech and writing in teaching Persian language speaking skills to non-Persian speakers", *Linguistics*, Institute of Humanities and Cultural Studies, Year 14, Issue 3, Fall and Winter 2013, p. 115-140.

Shahriari Fard, Azin; Chalghamani, Ali (۲۰۲۲). "Persian language in social networks", collection of articles. The first symposium on language and the Internet, Tehran. Publishing Persian characters, pp. 27-45.

Turkey Rachgani, Masoumeh (1387). A Study of the Language of Mobile SMS among Persian Language Users, Master Thesis, Tehran, Al-Zahra Nashgah.

Yavari, Zahra (1390). Examining online conversations in the context of Grace Solutions. Master Thesis, University of Isfahan.

Zandi, Bahman; Rabbani, Fatemeh (2009). "the study of the compatibility of short message language with standard Persian language", Journal of Cultural Research, Volume 2, Number 1, p. 47-75

Zolfaghari, Hassan (1385). Non-standard patterns in the language of the press, Tehran: Persian Language and Literature Research Center.

